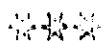


که قدر پائیز و زمستان را هم بداند .

همدان ۲۲ فروردین ۱۳۰۶

ع آزاد همدانی



این مقاله در ماه اردیبهشت گذشته با دارة ارمغان رسیده و طبع آن فراموش شده بود و این اوقات پس از مراجعه بمقالات و نامه‌های پیشینه بدست آمد و بدرج آن مبادرت گردید .

از خدوند خویش می‌طلبم که سال آینده بعد از فروردین زیارت الوند شتافته پس از سلام و تعظیم دخمه پاك و مرقد تابناك عارف بزرگ (باباطاهر) از فیض زیارت دوستان ادیب همدانی بهره‌مند شده و حضوراً از حضرت آزاد عذر تأخیر درج را بخواهم

وحید

فسوة الفصیل

نیر تیریزی (۱)

(الباب الاول فی شرح نسبی)

قال التقی الهاشمی نسباً	بقیة الماضین من طباطبا
ابن ابی القاسم ذی النجاد	و شیخ الاسلام بآذرباد
هذا کتاب فسوة الفصیل	الفتد فی عام سنیچقان ئیل

(۱) وی موسوم بسید محمد تقی طباطبائی است از اجله علمای تبریز بوده و در اشعار خود نیر استشهاد مینموده است ظاهراً بفقاهت اشتهار ولی دارای ذوقی سرشار است کتابی چند در مرثیه و واقعه تف پرداخته که یکی از آنان موسوم باتشکده و در دسترس عام است اگر چه غالب

علفته على كتاب الباد	لجدي المحقق الاستاد
مشمتم على فنا ومعجبه	تكون دستور الجدل الطلبة
وها كم وانواد رافى الفن	لن يخطرن فطيبال الجن
و لا تغالو اننى شياد	كشيخ الاسلامين بيسواد
انى اذارمت نزال الفضلا	لبست نعلا من نعال كربلا
ثم امتشط لحييتى بالعرض	لانها اهيب عند العرض

مرثیه سرایان را اشعار از نیکوئی و انسجام دور است لکن گفته های وی با جنته رثائیه سلاست و روانی را توام دارد محض نموزجی یکی از گفته های وی را که در رثاء فرموده نگاشتیم تا از تتبع وی دانش پژوهان بمقام شاعری او آشنا گردند قال ره

ای ز داغ تو روان خون دل از دیده حور
 بی تو عالم همه ماتم کده تا نفخه صور
 اشکها گو همه دریا شود و دلها خون
 که پس از قتل تو منسوخ شد آئین سرور
 دیر ترسا و سر سبط رسول مدنی

آه اگر طعنه بقرآن زند انجیل و زبور
 پای در سلسله سجاد و سرتاج یزید خاک عالم بسرافسر و دیهیم و قصور
 از تماشای تجلی تو مد هوش کلیم
 ای سرت سر انالله و سنان نخله طور ... الخ و نیز گفته
 خصم چون دایره گرد حرم و شاه شهید

اندر آن دائره چون مرکز یا برجا بود .. الخ
 باری نسخه مذکور که در این اوراق نگاشته آمده از گفته های وی و در قسمت فکاهی مرتبه بلندی را داراست و توان گفت که در اینفن جزوی کسی دیگر بدین نیکوئی سخن نکرده چه قطع نظر از انسجام دارای ظرافت تامه است که بر ارباب دانش مخفی نیست؟؟ ع-ح . اشراق خاوری

ثم ركبت خيل المحججاما
 وحين ما استويت ظهر الفرس
 كان بردون ابا حسام
 ثم خرجت واضعاً لعينكى
 وحينما سرت الى الميدن
 ثم نديت راجزاً بين الملا
 انا الذى قبل الصبى تشيخا
 و هذه من خارق العادات
 كم من كرامات لجدى فى الورى
 وها انا من فرع تلك الشجرة
 فان للبعير على البعير
 وكم لنا من غور الفرائد
 وفى حواشينا لحسن المقعد
 و عمى الطبيا طباء الفاطى
 يليق ان يكتب بالمداد
 وابن اخى قبل او ان الحلم
 وان سلتم عن بنى اعمامى
 فمنهم ذوالحسب النبيل
 له كتاب ادب القيام
 و مقتل يعرف بالناقور
 و نجله يعرف بالداماد
 و خالى النبيل موسى خان
 و اصله من فرقة الدنابلة
 لايزد ربه خفة فى العقل
 يحضر فى موائد الاموات
 المطلخم اللائك الجاما
 تصابحت من خلف ظهر حرسى
 زيد حمار دق باللجام
 ومر خيأسد ول تحت الحنك
 احسر عن كمى وعن تنبان
 مخاطبا به فحول الفضلا
 كالبيض فى است الدجاج فرخا
 وكثرة السالوس والطامات
 معروفة قد نظتها الشعراء
 بين الورى فليرنى من لم يره
 دلالة نأبى عن التنكير
 اشبعت فيها القول فى المقاعد
 للفاضل المسئلة دان احمد
 علق شرحاً بقوانين القمى
 فى كاغذ يصنع فى بغداد
 دويبة تبلع كل علم
 فكلهم من عصابة الكرام
 مجتهد المعرب بلا تحصيل
 عند مجئى الله ذوالاكرام
 فى نية الصوم لدى الشيبور
 كفى به فخراً على الانداد
 فانه فى القطر يهلوان
 مجدل الابطال فى المقاتلة
 لانه من خاندان النبيل
 من قبل ان يؤذن للصلاة

يغير كالليث على الطعام قبل السنابير بلا اعلام
 يلبس من ملابس الافرنج و يحتذى نسو انهم فى الفنج
 و ان لى شهباً بذاك الخال لاننى ولدت من حلال

دیوان نیر تبریزی بتازگی در تبریز با سبک و اسلوب مرغوب
 بطبع رسیده و يك نسخه از آن فاضل دانش پرور آقای عمادالذاکرین ساکن
 تبریز که در طبع و نشر این دیوان زحمت او دخالت داشته بساداره
 ارمغان فرستاده است عجب اینست که در یکروز با پست دیوان نیر از تبریز
 و نسخه (فسوة الفصيل) از ملایر بدست آمد و چون این قسمت در
 دیوان وی بطبع رسیده در شماره های ارمغان طبع و نشر میگردد . اهل ذوق
 ادب را بخبریداری دیوان (نیر) توصیه و سفارش میکنیم وحید

مسابقه ادبی

مطابق شرحی که در شماره اول نگاشته ایم تا اول فروردین
 مدت این مسابقه منقضی میشود و نام برنده جازمه و مقاله او درج مجله
 و جایزه برای او ارسال خواهد شد.

مسئله اولی

در نسبت مؤلفه چون سی و ده فتاد

اصغر بجوی و ساز مقدم بر اعظمش

تا جلوه گر شود زنها نخانه خیال

نام بتی که شادی دل ها بود غمش